

جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

امیر حسین

نمایش برای اجرای یکنفره

مرد مضطرب وارد می شود ... می گوید

مرد: نه... نه... مادر اسم بچه من باید شیک و مدرن باشه

صدا: اسم مذهبی دُمده است یعنی اگر علیرضا و حسین و مهدی بگذاری ... مدرن نیست

مرد: آره ... اسم عربی و قدیمی

صدا: مثلاً چه اسمی جدید و خوبه...

مرد: سامان... بایگان ... ویتانا... جک...

صدا: رایگان... جک زاپاس و نمی دونم کوفت و زهر مار آخه ... اسمی باشه که بزرگ شد...

مرد: بزرگ شد خجالت نکشه ... همیشه اینو می گی... بایگان رو می گی رایگان ...

حتی اسم خود تو نمی تونی بگی

صدا: آره آخه من هم عقب افتاده و قدیمی هستم

مرد: منو مسخره نکن ... من از اسم مذهبی ... خوشم نیاد اصلا بدم میاد

صدا: برای همینه که محمد جواد رو گذاشتی کامبیز

مرد: آره مگه چه اشکالی داره....

صدا: کامبیز اشکالی نداره ... ولی محمد جواد خیلی با معناست

مرد: معنا به چه درد من می خوره ... اصلا تو کار من اسم مذهبی باعث دوری

مشتریام میشه

صدا: به به ... نمی دونی روزی دست خداست

مرد: اگر من زرنگی نکنم ... مشتری رو نکشونم توی کار ... خدا به چه دلیل به من

روزی بده آخه به چه دلیل

صدا: منظورت اینکه اگر مشتری رو فریب ندی دیگه! درست میگم

مرد: هر چی اسم شو می ذاری بذار

صدا: این خداست که وسیله سازه، مشتری رو خدا هدایت می کنه بیاد، محیط کار

تو ... و قرار داد ببنده

مرد: این همه خرافاته

صدا: خدا هست و واقعیت داره ... خدایی که آب نمک و برای حفظ چشمای تو گذاشته تا خراب نشن ... خدایی که اکسیژن و هوا رو گذاشته تا خفه نشی ... اصلاً خلقت بشر از ازدواج تا جنینی که ۹ ماه تو شکم مادر شکل می گیره

مرد: آره می دونم می خواهی بگی معجزه خداست ، بدنیا آمدن بچه ... شیر آماده مادر هنگامه زایمان ... هی بگو ... این حرفهای تکراری رو

صدا: خوب هر روز زندگی تکرار می شه ... صبحانه ، نهار ، شام ، شب ، روز همه تکراریه ... چرا از تکرار زندگی خسته میشی

مرد: خسته نمی شم ... دوست دارم متفاوت باشم ... من خیلی هم غیر دینی نیستم فقط می خواهم متفاوت باشم ، همین

صدا: باش تا امورات بگذره

پرده دوم

حرم امام حسین (ع)

مرد: آقا جان ... غلط کردم ... اشتباه کردم به خدای خوبت شفاعت من بکن ... آقا شفای بچه مو از تو می خام

صدا: چی شده اربعین پیاده اومدی کربلا

مرد: بچه ام ... بچه ام ... داره میمیره ... سامان رو میگی ... داره با مرگ دست و پا می زنه

صدا: تو که از اسم امیر حسین خوشت نمی آمد... حالا کربلا

مرد: نه دیگه اون آدم نیستم ... بد بخت شدم ... چوب نا سپاسی مو خوردم ... خدا منو مجازات کرد از من بدش اومد...

صدا: نه اینطور نیست خدا همه بنده هاشو دوست داره ... اگر درد و مریضی و

گرفتاری میده ... می خواد بنده اش پاک بشه می خواد بنده اش نره به بیراهه

مرد: آره فهمیدم ... وقتی دکتر گفت بچه ات زیر عمل جراحی میره فهمیدم ... از کجا دارم می خورم

صدا: نا امید نباش از امام حسین (ع) بخواه بچه تو شفا بده خدا به حق حسین زهرا (س) بچه تو شفا می ده

مرد: آخه دکترها گفتند اگر عمل نکنیم بچه میمیره و اگر عمل کنیم شانس کمی برا نجات داره

صدا: مگه چی شده

مرد: قلبش ... قلب بچه خیلی حالش بده... خیلی

صدا: توسل کن و زود برگرد پیش بچه و مادرش ... اونا الان به تو نیاز دارند

مرد: نه تا حاجتمو نگیرم ... از این جا نمیرم

صدا: انشا... حاجت می گیری ... برگرد... برو انشا... خبرهای خوشی میگیری... برو

حسین کشتی نجاته ... و چراغ هدایت آبرومنده پیش خدا

پرده سوم

بیمارستان مقابل اتاق عمل

صدا: دکتر فرهمند به اتاق عمل ... دکتر فرهمند به ۱۲۸

مرد وارد می شود... خیلی نگران

دکتر از اتاق عمل بیرون آمده ... و مرد سراغ دکتر می رود و می گوید...

مرد: آقای دکتر ... چی شده ... بچه ام زنده موند... عمل موفق بود

دکتر: چرا که نه ... فکر نمی کردم ... اینطور روون و راحت انجام بشه

مرد: راست می گین دکتر... تو رو خدا بچه خوب میشه

دکتر: بله ... با کمک خدا و دستای پر محبت دکتر جلالی انشا... خوب میشه

مرد: دکتر جلالی... دکتر مگه خودتون عمل نکردین

دکتر: چرا ولی باید همزمان روی قلب بیمار ۲ عمل همزمان انجام می شد... راستش اصلاً... یه معجزه شد... یه معجزه

مرد: یا حسین... یا زهرا.. ممنونم... مادر ممنونم ای شهید کربلا... امام مهربانی...
امام شهید ممنونم

صدا: دیدی... این خانواده پیش خدا چقدر عزیزن و آبرومند

مرد: اسم بچه مو عوض می کنم... می دارم امیر حسین که فدایی حسین بشه...
کربلایی بشه

هر سال نذری می دم... هر سال محرم نذری می دم

خدایا... ممنونم... شکرگزار تو هستم

صدای مداحی امام حسین (ع)